

حق دسترسی به غذا از منظر حقوق بین الملل بشردوستانه

چنگیز اسفندیاری^a، سهیلا کوشا^b، سید باقر میرعباسی^c

^aعضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران، دانشکده علوم و مهندسی صنایع غذایی، تهران، ایران

^bعضو هیات علمی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

^cدانشیار دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۲۰

چکیده

مقدمه: با توجه به نقش غذا و رساندن آن به افراد نیازمند در شرایط اضطراری به ویژه در مخاصمات مسلحانه داخلی و بین المللی و نظر بر اینکه در این نوع وضعیت ها حقوق بین الملل بشردوستانه حاکم است، ضرورت دارد این موضوع از جوانب مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

مواد و روش ها: روش انجام این تحقیق بر اساس روش های رایج در علوم اجتماعی توصیفی و تحلیلی می باشد.

یافته ها: باتوجه به بررسی اسناد، مدارک مرتبط با حقوق بین الملل بشر دوستانه در ارتباط با حق بر غذا مشخص گردید که کنوانسیون ها، پروتکل های مربوطه، حق بر غذا را در این وضعیت ها به خوبی شناسائی کرده و تعهدات کشورها و طرفین مخاصمه در زمینه رساندن غذا به افراد نیازمند را به طور دقیق بیان کرده است.

نتیجه گیری: حقوق بین الملل بشردوستانه تعهدات الزام آوری در زمینه حق غذا در زمان مخاصمات مسلحانه بین المللی و شرایط اشغال ایجاد نموده و تا آن حد پیش رفته که استفاده از سلاح گرسنگی در این منازعات را به منزله جنایات جنگی، جنایات نسل کشی و جنایات علیه بشریت قلمداد نموده، ولی حقوق بین الملل بشر دوستانه تعهدات الزام آوری در زمینه حق غذا به ویژه کمک رسانی غذایی به غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه داخلی ایجاد نموده است.

واژه های کلیدی: حقوق بین الملل بشردوستانه، حق غذا، حق رهایی از گرسنگی، قحطی، کمک های غذایی

حقوق بشردوستانه شاخه‌ای از حقوق بین الملل بوده که بر مخاصمات مسلحانه و سایر وضعیت‌ها از جمله وضعیت اشغال حاکم است و رفتار متخاصمین در طول جنگ را تنظیم می نماید (FAO, 2002, APCHR, 2009) و مجموعه‌ای از قواعد قراردادی یا عرفی بین المللی است که مشخصاً ناظر به رفتار قوای متخاصم در منازعات مسلحانه بین المللی یا غیر بین المللی است (قربان نیا، ۱۳۸۷) و به منزله بخشی از موازین ناظر بر درگیری‌های مسلحانه با تحمیل تعهداتی بر طرف‌های متخاصم و همچنین جامعه بین المللی تلاش نموده تا درگیریهایی مسلحانه را انسانی نموده و از سطح خشونت های ناشی از عملیات نظامی بکاهد (کدخدائی، ۱۳۸۹).

آنچه که امروز تحت عنوان حقوق بشردوستانه بین المللی شناخته می شود شامل دو شاخه حقوق قابل اعمال در مخاصمات مسلحانه یعنی حقوق لاهه و حقوق ژنو است حقوق لاهه بویژه مقررات مربوط به قواعد و آداب جنگ زمینی حقوق و وظایف متخاصمان را در عملیات نظامی تعیین می کند حقوق ژنو از قربانیان جنگ حمایت می کند (قربان نیا، ۱۳۸۷). منبع اصلی حقوق بشر دوستانه، چهار کنوانسیون معروف به کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنوو و پروتکل الحاقی به این کنوانسیون‌ها می باشد (مهر پور، ۱۳۷۷؛ Cotula, 2002; kent, 2006). حق غذا نیز به معنی دسترسی مستمر، پایدار و بدون محدودیت به غذایی که هم از نظر کیفیت و کمیت مناسب و مطابق با شرایط فرهنگی جامعه فرد مصرف کننده است می باشد. به نحوی که زندگی او را در بعد روانی و جسمانی و سطوح فردی و جمعی تضمین کند و تامین آن به میزان کافی و مناسب و بدون دغدغه باشد.

حق غذا در بردارنده حق یاری رساندن به فردی است که نمی تواند از خویشتن مراقبت نماید. حق غذا حقی است که براساس آن هر فرد بتواند تغذیه در شان خویش را داشته باشد. این حق همچنین شامل دسترسی به منابع و ابزار برای تامین معیشت هر فرد نیز می باشد. حق غذا یک حق جهانی و شامل همه افراد می شود در عمل و در وهله نخست از افراد و گروههایی حمایت می کند که بیشتر آسیب

پذیرند و کسانی که از تبعیض رنج می برند (Golay, 2004).

حق بر غذا اولین بار در ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر بشرها این مضمون که هر کس حق دارد که سطح زندگی، سلامتی و رفاه خود و خانواده اش را از حیث غذا، مسکن و مراقبت‌های پزشکی و خدمات لازم اجتماعی تامین کند مورد شناسائی قرار گرفت (OHCHR, 2011; اسفندیاری و میرعباسی، ۱۳۹۰) پس از آن در کنوانسیون‌های متعدد از قبیل کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ راجع به رفتار با اسرای جنگی، کنوانسیون ژنو ۱۹۴۹ راجع به حمایت از غیر نظامیان در زمان مخاصمات، پروتکل اول و دوم الحاقی بر کنوانسیون‌های چهار گانه، کنوانسیون حقوق کودک، کنوانسیون وضعیت پناهندگان، کنوانسیون اشخاص بی تابعیت، کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و ... مورد اشاره قرار گرفته است (ابراهیم گل، ۱۳۸۷) در اهمیت این حق همین بس که نقض آن، تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی توصیف شده است (UNSC, 1992). کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تفسیر عمومی شماره ۱۲ در سال ۱۹۹۹ در مورد حق بر تغذیه و غذای مناسب چنین بیان داشت « حق بر غذای مناسب زمانی محقق می شود که هر مرد، زن و کودکی به تنهایی در اجتماع با دیگران، در همه زمانها از نظر فیزیکی و اقتصادی به تغذیه مناسب یا وسایل تامین آن دسترسی داشته باشند (CESCR: GC 12, 1999).

حق بر غذای مناسب متضمن در دسترس بودن غذا در کمیت و کیفیتی است که بتواند نیازهای رژیم غذایی افراد را برآورد سازد. غذا می بایست عاری از مواد مضر و زیان آور بوده و در یک فرهنگ معین قابل قبول باشد. مضاف بر این غذا می بایست به شیوه ای پایدار، دست یافتنی باشد (Chinkin, 2008) اجزای آن نیز شامل الف- فراهم بودن یا تامین غذای کافی^۱ ب- ثبات غذا و دسترسی به آن در هر زمان.^۲ (همان: ۵۴) ج - قابل دسترسی از نظر اقتصادی و فیزیکی^۳ د - قابل مصرف^۴ ه- قابل قبول بودن از نظر فرهنگی می باشد (Colay, 2009; اسفندیاری و میرعباسی، ۱۳۹۰).

¹ Availability² Stability³ Access to Food⁴ Food Utilization

حق غذا در مفاد کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو

امروزه منبع اصلی حقوق بشر دوستانه، چهار کنوانسیون معروف به کنوانسیون‌های چهار گانه ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل الحاقی به این کنوانسیون‌ها می‌باشند. این ۴ کنوانسیون که بعضی از آنها بسیار مفصل و بالغ بر ۱۵۰ ماده و تعدادی ضمیمه می‌باشند جملگی در تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ به تصویب کنفرانسی که به منظور ایجاد کنوانسیون‌های بین‌المللی برای حمایت از قربانیان جنگ از ۲ آوریل تا ۱۲ اوت ۱۹۴۹ در ژنو تشکیل شد به تصویب رسیدند و همگی در ۲۱ اکتبر ۱۹۵۰ لازم‌الاجرا شدند دو پروتکل الحاقی به این کنوانسیون‌های نیز بعداً تصویب شدند که یکی مربوط به حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه بین‌المللی و دیگری مربوط به حمایت از قربانیان منازعات مسلحانه غیر بین‌المللی است (مهر پور، ۱۳۷۷؛ Kent, 2006) هر دو این پروتکل‌ها در تاریخ ۸ ژوئن ۱۹۷۷ به تصویب کنفرانس دیپلماتیک ژنو در مورد تأیید مجدد توسعه قوانین بین‌المللی بشر دوستانه قابل اجرا در منازعات مسلحانه رسیدند و در تاریخ ۷ دسامبر ۱۹۷۸ لازم‌الاجرا شدند (Kent, 2006).

حق غذا در ماده ۳۲ کنوانسیون شماره یک در مواد ۱۸، ۲۰، ۲۶ و ۲۸، ۳۱، ۴۵، ۴۶، ۵۱، ۷۲ و ۷۶ کنوانسیون شماره ۳ در کنوانسیون شماره چهارم نیز حق دسترسی به غذا در مواد مختلفی از جمله مواد ۱۵ و ۲۳ و ۳۶، ۴۰، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۵، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۷، ۸۰، ۸۱، ۱۰۰، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۷ بیان گردیده است: که در اینجا به برخی از مواد مهم مرتبط با حق غذا در کنوانسیون‌های مذکور اشاره می‌شود. در کنوانسیون شماره ۱ در ماده ۳۲ آن بیان گردیده است که اشخاص کشور بی‌طرف که به دست طرف متخاصم می‌افتند قابل بازداشت نبوده در مدتی که این اشخاص در اختیار دولت متخاصمند باید غذای آنها از نظر کمی و کیفی و تنوع کافی باشد به طوری که وضعیت سلامتی نرمال آنها را تامین کند (ICRC, 2011).

در کنوانسیون شماره ۳ نیز در ماده ۲۰ آن آمده است دولت بازداشت کننده برای اسیران جنگی که تخلیه می‌شوند آب آشامیدنی، مواد غذایی به مقدار کافی تامین خواهد کرد در ماده ۲۶ بر جیره غذایی اصلی روزانه اسرا از لحاظ کیفیت و تنوع کافی اشاره و به طوری که مواد غذایی باید سلامتی کامل آنها را تامین نموده و در تغذیه آنها باید رژیم غذایی عادی آنها در نظر گرفته شود و همچنین غذای

اضافی لازم برای اسیران جنگی که مشغول کار هستند مهیا نماید (ICRC, 2011).

در کنوانسیون چهارم ژنو که به کنوانسیون حقوق اشغال معروف است، در ماده ۲۳ به تعهد دولت متعاقد به آزادی عبور کلیه محموله‌های غذایی اساسی و مواد مغذی کودکان زیر ۱۵ سال و زنان باردار اشاره و در ماده ۵۵ آن، دولت اشغالگر تا حد امکانات خود یا ممکن مکلف است احتیاجات مردم تحت اشغال را از نظر مواد غذایی، پزشکی تامین کند آن باید مواد غذایی و ... هرگونه لوازم دیگر را در موقعی که منابع اراضی اشغال شده کافی نباشد از خارج وارد نماید. دولت اشغال کننده، نمی‌تواند مواد غذایی در اراضی اشغالی را مصادره نماید مگر برای نیروها و دستگاه اداری اشغال کننده و دول حامی می‌توانند در هر زمان بدون هیچ محدودیتی وضعیت غذا و دارو را در اراضی اشغال شده با توجه به محدودیت‌های موقتی که به علت الزامات الزامی نظامی ایجاد شده مورد رسیدگی قرار دهند و همچنین در ماده ۵۹ کنوانسیون مذکور به طرح‌ها و کمک‌های بشر دوستانه به شرح ذیل اشاره شده است «هرگاه ذخایر سرزمین اشغال شده ناکافی باشد دولت اشغال کننده باید به نیابت از جمعیت مذکور با طرح‌های بشر دوستانه موافقت نماید و باید با هر وسیله ممکن و در اختیار ورود آنها را تسهیل نماید. اقدامات مزبور که ممکن است به وسیله دولت‌ها و یا به وسیله کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به عمل آید بیشتر عبارتند از ارسال مواد غذایی و ... خواهد بود و کلیه دول متعاقد باید عبور آزادانه این محموله‌ها را تضمین و حمایت نمایند (DeFalco, 2009). در ماده ۶۰ نیز آمده است دولت اشغال کننده حق ندارد محموله‌های کمکی را به هیچ وجه از مصرف معینی منحرف سازد مگر در صورت ضرورت فوری که به نفع اهالی سرزمین اشغالی و با موافقت دولت حامی انجام گیرد و نیز در ماده ۶۱ بیان گردیده است از محموله‌های کمکی مزبور هیچ گونه حقوقی، مالیات و عوارض گمرکی در اراضی اشغال شده دریافت نخواهد شد و دولت اشغالگر باید ترخیص سریع محموله‌های مزبور را تسهیل نماید و کلیه دول متعاقد تلاش خواهند کرد که اجازه ترانزیت و حمل محموله‌های کمکی به مقصد اراضی اشغال شده به صورت رایگان انجام گیرد (pejic, 2001; ICRC, 2011).

کمک‌های بشر دوستانه، اولویت دادن به کودکان خردسال، زنان باردار و در حال زایمان و مادران شیرده و توزیع کمک‌های بشر دوستانه و .. اشاره نمود (ICRC, 2011; Pejic, 2001).

نکته جالب توجه این که مطابق مواد ۶۹ و ۷۰ پروتکل مذکور اقدامات امداد رسانی دیگر محدود به تامین نیازهای اولیه در سرزمین‌های اشغال شده نیست بلکه به تصریح ماده ۷۰ پروتکل شامل سکنه غیر نظامی هر سرزمین غیر از سرزمین‌های اشغالی نیز هست که در کنترل یکی از طرف‌های مخاصمه است. پروتکل اول بر خلاف کنوانسیون چهارم ژنو همه سکنه غیر نظامی را در سرزمین اشغالی یا سرزمین در کنترل یکی از طرف‌های مخاصم تحت حمایت قرار می‌دهد.

این مقررات خود برای تضمین رعایت قاعده مذکور در ماده ۵۴ پروتکل اول الحاقی در نظر گرفته شده اند و این ماده نیز که همه سکنه غیر نظامی را در بر می‌گیرد متخصصان را از بکارگیری سلاح گرسنگی منع می‌کند (ممتاز، ۱۳۸۴).

در پروتکل الحاقی شماره ۲ به کنوانسیون چهارم گانه ژنو ۱۹۴۹ یکی از مشخصات عمده تنظیم حقوقی منازعات داخلی این است که بر خلاف مورد منازعات بین‌المللی، رابطه بین متخصصین اساساً رابطه بین دولت کشور مربوطه و اتباع آن است لذا تعهدات دولت مخاصم طبق حقوق بشر دوستانه در قبال طرف دیگر مخاصم تعهداتی در قبال اتباع خود آن دولت است درست همان طور که حقوق بشر تعهداتی را بر دولت در قبال اتباعش تحمیل می‌کند در این جا تفاوت در شرایط خاص منازعه مسلحانه نهفته است که اعمال نوع خاص از قواعد را ایجاب می‌کند (وارنر، ۱۳۸۲).

در ارتباط با این مخاصمات غیر بین المللی نیز چند ماده مرتبط با حق غذا می‌باشد که از این مواد می‌توان به ماده ۵ مبنی بر مهیا نمودن غذا و آب آشامیدنی برای اشخاصی که به دلایل مربوط به جنگ مسلحانه از آزادی محروم هستند (رمضانی، ۱۳۸۹) ماده ۱۴ بر ممنوعیت ایجاد قحطی در بین جمعیت غیر نظامی به عنوان یک روش جنگی و همچنین حمله کردن، تخریب، جابجا کردن یا انتقال بدون فایده اموال ضروری برای بقای جمعیت غیر نظامی مانند مواد غذایی، محصولات خام کشاورزی و دامی اشاره نمود و در ماده ۱۸ نیز آمده است اگر جمعیت غیرنظامی در معرض

براساس کنوانسیون چهارم ژنو به همراه پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ کشورها نیز دارای یک سری تعهداتی در زمینه حق غذا می‌باشند (Defalco, 2009) همان طور که ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو مقرر می‌دارد. هر دولت متعهد به کلیه محموله‌های داروئی و همچنین به هرگونه مواد غذائی ارسالی ... و مواد مقوی کودکان کمتر از ۱۵ سال و زنان باردار آزادی عبور خواهد داد (ICRC, 2011) حتی اگر چنین کمک‌های برای سکنه غیر نظامی طرف مخالف در نظر گرفته شود (Defalco, 2009). و ماده ۷۰ پروتکل الحاقی شماره ۱ این تعهدات کشورها را به طور جامع بیان می‌کند و مقرر می‌دارد هر یک از طرف‌های معظم متعهد باید عبور سریع و بی وقفه کلیه محموله، تجهیزات و کارکنان تدارک دیده به موجب این بخش را اجازه داده و تسهیل نماید حتی اگر چنین کمک‌های برای افراد غیرنظامی مخالف در نظر گرفته شده باشد (Goldstone, 2009).

پروتکل‌های الحاقی به کنوانسیون چهارم ژنو مصوب ۱۹۴۹

دو پروتکل الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو در ۸ ژوئن سال ۱۹۷۷ به منظور توسعه و تکمیل مقررات بشر دوستانه در ارتباط با مخاصمه مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی تصویب، هر دو در ۷ دسامبر ۱۹۷۸ لازم الاجرا شدند و پروتکل شماره یک نسبتاً مفصل و مشتمل بر یک مقدمه و ۱۰۲ ماده است.

و پروتکل شماره ۲ کوتاهتر از پروتکل یک و مشتمل بر ۲۸ ماده است در ارتباط با مخاصمات داخلی و تبیین و توسعه ماده ۳ مشترک بین کنوانسیون‌های ژنو تدوین شده است (مهر پور، ۱۳۷۷)

مواد مختلفی در ارتباط با حق دسترسی به غذا در پروتکل شماره یک که در مخاصمات مسلحانه بین المللی کاربرد دارد بکار رفته است از این مواد می‌توان به ماده ۵۴ مبنی بر ممنوع بودن گرسنه نگه داشتن غیر نظامیان به عنوان یک روش جنگی، ممنوع بودن، حمله، تخریب یا غیر قابل استفاده کردن اموالی که برای بقای سکنه غیر نظامی ضروری است، ماده ۶۹ مبنی بر تعهد و تضمین قدرت اشغالگر بر تامین وسایل و لوازم ضروری سکنه غیر نظامی برای ادامه حیات و ماده ۷۰ مبنی بر موافقت با اقدامات

سختی بدون جهت به دلیل نبود ملزومات و لوازم اصلی برای بقای خود از قبیل مواد غذایی، امکانات پزشکی شوند عملیات امدادی و کمک‌های بشر دوستانه انجام خواهد شد (Pejic, 2001; ICRC, 1977).

ماده ۱۴ پروتکل مذکور مانند ماده ۵۴ پروتکل اول گرسنه نگه داشتن غیر نظامیان را به عنوان روش جنگی ممنوع می‌کند بنابراین بستن راه‌ها و ممانعت از رسیدن غذا به منظور ایجاد قحطی ممنوع است هم بدین منظور حمله، انهدام، برداشتن یا از حیز استفاده انداختن اموال ضروری برای حیات سکنه غیر نظامی در ماده ۱۴ پروتکل منع شده است اموالی همانند مواد غذایی و اراضی زیر کشت برای تولید این مواد، محصولات کشاورزی، احشام، تاسیسات و ذخایر آب آشامیدنی و تاسیسات و لوازم آب رسانی، ممنوعیت ایجاد قحطی برای از پای در آوردن غیر نظامیان آن طور که ماده ۱۴ پروتکل دوم مقرر می‌دارد هیچ استثنایی بر نمی‌دارد.

در کنفرانس دیپلماتیک مزبور پیشنهادی مطرح شد به این مضمون که طرف‌های متخاصم مجاز باشند در صورت اقتضای حتمی ضرورت‌های نظامی، از این روش یعنی ایجاد قحطی استفاده کنند اما این پیشنهاد اصلا رای نیابرد بند ۲ ماده ۱۸ پروتکل دوم، مربوط به فعالیت‌های امداد رسانی بین المللی ضمن تکمیل مقررات ماده ۱۴، نحوه انجام امور امدادی را هم بیان می‌کند. طبق این بند «اگر سکنه غیر نظامی به سبب فقدان ملزومات ضروری برای زیست دچار مشقتات زیاده از حد شود عملیات کمک رسانی انجام خواهد شد عملیات امداد رسانی باید منحصرآ ویژگی بی‌طرفانه و انسان دوستانه داشته باشد بنا به تفسیر کمیته بین المللی صلیب سرخ، جنبه انسان دوستانه فعالیت امداد رسانی مفروض است هنگامی که هدف کمک به غیر نظامی‌ها باشد و فعالیت بی‌طرفانه است اگر هیچ تمایزی براساس معیارهای شخصی بین افراد کمک گیرنده در کار نیاید و عاری از هرگونه هدف سیاسی جانبدارانه باشد (ممتاز، ۱۳۸۴) متاسفانه در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نقض ماده ۱۴ پروتکل دوم که مبنای محکمی در حقوق بین‌المللی عرفی دارد در ردیف جنایات جنگی مشمول صلاحیت دیوان قرار نگرفت این ماده استفاده از سلاح گرسنگی و حمله به اموال ضروری جمعیت غیر نظامی را منع می‌کند ضعف مشهود اساسنامه در این زمینه،

به ویژه کوتاهی در جرم انگاری استفاده از سلاح گرسنگی و ایجاد قحطی بین غیر نظامیان حین مخاصمات داخلی بسیار ناگوار است زیرا بکارگیری این روش توسط یکی از طرف‌های متخاصم بر ضد هم وطنان خویش در این دسته از مخاصمات کاملا رایج است به همین دلیل ارتکاب این عمل غیر انسانی در مخاصمه‌ای داخلی بیشتر سزاوار سرزنش و تقبیح است تا در مخاصمه‌ای بین‌المللی جرم انگاری این ماده از پروتکل دوم الحاقی می‌توانست جنبه باز دارنده داشته باشد که در این نوع مخاصمات خیلی رواج دارد (ممتاز، ۱۳۸۴؛ قوام آبادی، ۱۳۸۹).

تعهدات ناشی از حق بر غذا در حقوق بشر دوستانه بین المللی

محتوی تعهدات، مکانیزم‌های تضمینی حق بر غذا تابع محتوی و مکانیزم‌های تضمین حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است در حقیقت تعهدات در میثاق دو نوع تدریجی و فوری می‌باشد که تعهدات تدریجی به صراحت در ماده ۲ میثاق با این عنوان که "هر دولت عضو میثاق حاضر متعهد می‌شود اقداماتی انفرادی و از طریق مساعدت و همکاری بین المللی بویژه اقتصادی و فنی، با استفاده از حداکثر منابع در اختیار، به منظور دستیابی به تحقق کامل تدریجی حق‌های شناخته شده در میثاق حاضر با همه وسائل مناسب از جمله به طور خاص اتخاذ اقدامات تضمینی معمول دارد" بیان گردیده است (Sylvain, 2008) تعهدات فوری نیز شامل حذف تبعیض در دسترسی به غذا که در تفسیر کلی شماره ۲۰ به صراحت به این مسئله اشاره شده است (GC20, 2008: CESCR) تعهد به اتخاذ اقدامات لازم و عدم برخورد غیر فعالانه با حق غذا، تعهد به منع اقدامات پس رونده و حمایت از حداقل تامین نیاز اساسی به غذا (OUNHR.FAO, 2010; کریون، ۱۳۸۷) باتوجه به آنکه حق غذا دارای ۲ حق متمایز می‌باشد الف) حق دسترسی به غذا از طریق خودکفائی در تولید داخلی ب) حق بنیادین رهایی از گرسنگی، دولت‌ها تعهد فوری جهت اطمینان از حق بنیادین رهایی گرسنگی داشته و در مورد حق امنیت غذائی موضوع یک پروسه و اهداف طولانی مدت و تدریجی در سطح ملی و بین‌المللی می‌باشد (Defalco, 2009).

الحاقی به رسمیت شناخته است. تخطی از این مواد در حقیقت نقض حق غذا و تخلف از تعهد به تسهیل حق غذا محسوب می‌شود (Colay, 2009; Gotula, 2002; Vidar, 2003).

تعهد به فراهم کردن حق غذا

این تعهد در ماده ۵۵ کنوانسیون چهارم ژنو در شرایط اشغال به طور مفصل بیان گردیده است در ماده ۶۹ پروتکل اول الحاقی نیز این حق به طور مفصل بیان گردیده و همچنین تعهدات خاصی جهت فراهم نمودن غذا برای گروه‌های خاص بویژه زندانیان جنگی در ماده ۲۰، ۲۶، ۲۸ و ۴۶ در کنوانسیون سوم ژنو و افراد بازداشتی در ماده ۸۷ و ۸۹ کنوانسیون چهارم بیان گردیده است در تعهد به فراهم کردن زمانی که دولتی از اجرای تعهدات خود ناتوان است (تهیه غذا) کنوانسیون این اجازه را به آن دولت می‌دهد که از جامعه بین المللی درخواست کمک نماید (Goutla, 2002; Colay, 2009).

نقض فاحش اصول و قواعد حقوق بشردوستانه در ارتباط با حق غذا از منظر حقوق بین الملل بشردوستانه

با توجه به اینکه در نظام حقوق بین الملل بشری در ارتباط با بهره‌مندی انسان‌ها از حق بر غذا و آب در همه وضعیت‌ها، از جمله مواردی هستند که حتی در طول درگیری مسلحانه نیز جاری هستند این حقوق مبتنی بر تعهدات و الزاماتی آمره یا همگانی (ارگاوامنس) هستند که در همه حالت‌ها و برای همه بازیگران بین المللی ایجاد الزام به رعایت می‌نمایند (ساعد، ۱۳۸۹) از آنجا که در زمان مخاصمات هم حقوق بشر و هم حقوق بشردوستانه قابل اعمال است لذا یک عمل واحد می‌تواند در هر دو نظام حقوقی نقض یا تخلف محسوب گردد (Amnesty International, 2009). و برخی از مهم ترین اصول و قواعد حقوق بشردوستانه مرتبط با غذا که امکان نقض آن در مخاصمات و اشغال وجود دارد به شرح ذیل می باشد.

نقض قاعده منع به قحطی کشاندن غیر نظامیان

ممنوعیت گرسنگی دادن به عنوان یک روش جنگی در مخاصمات مسلحانه بین المللی در بند ۱ ماده ۵۴ پروتکل

حق رهائی از گرسنگی جز حقوق بنیادین بوده و تحت هیچ شرایطی حتی در بلاایای طبیعی غیر قابل عدول است. (CESCR, GC 12: 1999) و این تعهدات ۳ وجهی حق غذا در حقوق بشر دوستانه بین المللی نیز به شرح ذیل می‌باشد.

تعهد به احترام به حق غذا

تعهد به احترام در حق غذا در مخاصمات مسلحانه به وسیله مقررات حقوق بشر دوستانه بین المللی از جمله منع استفاده از گرسنگی به عنوان یک روش جنگی تاکید گردیده است.

به علاوه محرومیت عمدی از غذا تحت شرایطی خاص جنایات تحت حقوق کیفری بین المللی را تشکیل می‌دهد (ژنوساید، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی)

جلوگیری از کمک‌های غذایی، استفاده از مین‌های زمینی که منجر به عدم تولید مواد غذایی و عدم ارسال کمک‌های بشر دوستانه می‌شوند و همچنین بکارگیری تحریم‌ها علیه دولت دیگر همگی از مصادیق بارز نقض حق تحقق غذا می‌باشند (Colay, 2009; Gotula, 2002).

تعهد به حمایت از حق غذا

در مخاصمات مسلحانه تعهد به حمایت مستلزم آن است که دولت‌ها باید اقدامات مناسبی جهت جلوگیری از گروه‌های مسلح و سایر بازیگران غیر دولتی از غارت مواد غذایی و محروم کردن شهروندان از دسترسی به غذا جلوگیری کنند و در صورت عدم اقدام مناسب به عنوان تخطی از تعهد به حمایت محسوب می‌شود (Colay, 2009; Gotula, 2002).

تعهد به تسهیل حق غذا

تعهد به تسهیل هم در شرایط اضطراری و هم در شرایط طبیعی بکار می‌رود به عنوان مثال با در نظر گرفتن تسهیلات عبور محموله‌های بشر دوستانه در مخاصمات مسلحانه حقوق بشر دوستانه بین المللی به صراحت تعهد دولت‌ها به اجازه عبور آزادانه کمک‌های بشر دوستانه و تسهیل کار نهادهای بشر دوستانه و توزیع کمک‌های غذایی را براساس ماده ۲۳، ۵۹ (۳) کنوانسیون چهارم ژنو ماده ۷۰ (۲) پروتکل اول الحاقی و ماده ۱۸ پروتکل دوم

الحاقی اول بیان گریده و در حال حاضر به عنوان یک قاعده محکم و ریشه‌دار در قوانین و عرف بین‌المللی جای خود را باز کرده است (هنکرتز، ۱۳۸۷) منع به قحطی کشاندن غیرنظامیان و ممنوعیت گرسنگی دادن هم در مواردی که قحطی و نبود غذا یا دسترسی به مواد غذایی منجر به سلب حیات افراد شود و هم در شرایطی که درد و رنج و گرسنگی بر مردم تحمیل گردد مصداق خواهد یافت (ساعد، ۱۳۸۹) قواعدی از قبیل حمله به اموال ضروری بر بقای جمعیت غیرنظامی، ممانعت از ارسال کمک‌های بشردوستانه و تحدید آزادی حرکت کارکنان نیروهای بشردوستانه از زیر مجموعه‌ای قاعده منع گرسنگی دادن به غیر نظامیان در محاصره می‌باشد. این اصول ناظر بر این نکات هستند حمله به اموال ضروری برای بقای جمعیت غیرنظامی و ممانعت از کمک رسانی بشردوستانه از سوی نیروهای امدادی بشردوستانه به غیرنظامیان یا تحدید آزادی حرکت کارکنان امداد بشردوستانه همگی نقض ممنوعیت گرسنگی می‌باشد رویه‌های ناظر بر این قواعد بیش از پیش ماهیت عرفی این قاعده عرفی را مشخص می‌کند (هنکرتز، ۱۳۸۷) همچنین استفاده عمدی از به قحطی کشاندن غیرنظامیان به عنوان روش جنگی از طریق محروم کردن آنها از کالاهای اساسی و ضروری برای بقای شان براساس بند ۲ ماده ۸ اساسنامه، دیوان کیفری بین‌المللی جنایات جنگی تلقی می‌شود (دفتر قوه قضائیه، ۱۳۷۸: ICC, 1998). منع استفاده از گرسنگی دادن غیرنظامیان، در بسیاری از دستورالعمل‌های نظامی در قوانین بسیاری از کشورها، همچنین در بیانیه‌های رسمی و در عرف و در عمل منعکس شده است و حتی از جانب کشورهاییکه به پروتکل الحاقی نپیوسته‌اند یا در آن زمان هنوز نپیوسته بودند مراعات شده و می‌شود و اگر در مواردی خلاف این قاعده عمل شده است با تقبیح جهانی مواجه شده یا خاطیان عمل خود را انکار نموده‌اند (هنکرتز، ۱۳۸۷). مبنای این ممنوعیت، حقوق بشری و بنیادین غیرنظامیان برای ادامه حیات و مصون ماندن از آثار درگیری است. اگر آنها از آب و غذا و بهداشت محروم شوند و حق دسترسی به خدمات عمومی نداشته باشند چه بسا آنها بسیار بیشتر از رزمندگان هم از جنگ متاثر شوند. و اجرای حقوق بشردوستانه چون این افراد را به‌عنوان غیرنظامی واجد حق شرکت در رزم با دشمن نمی‌داند در

مقابل حق میدهد که مایحتاج لازم برای زندگی شان هم از گزند دشمن دور بماند. پس دشمن نمی‌تواند به عنوان اقدام و با انگیزه نظامی اموالی را که برای زندگی و بقای جمعیت غیرنظامی ساکن یک منطقه درگیری لازم و ضروری است هدف قرار دهد یا مورد تضییق و یا حتی اقدام تلافی جویانه قرار دهد تا در نتیجه آن، اطراف مقابل درگیری در معرض فشار واقع شود (ساعد، ۱۳۸۹).

منع استفاده از گرسنگی به عنوان یک روش جنگی در ماده ۱۴ پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ (پل مالرب، ۱۳۸۲) و سایر اسناد مربوط به مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی درج شده است همین نکته در بسیاری از دستورالعمل‌های نظامی قابل اعمال در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی منعکس شده است. در قوانین داخلی بسیاری از کشورها قید شده است که اقدام به چنین عملی جنایت جنگی به شمار می‌رود و به طور کلی گرسنه نگه داشتن غیرنظامیان به عنوان یک روش جنگی در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی نیز به عنوان عمل ممنوع و مذموم مورد قضاوت قرار گرفته است (هنکرتز، ۱۳۸۷).

نقض قاعده ممنوعیت نابود کردن یا غیر قابل استفاده کردن اموال برای حیات جمعیت غیرنظامی

این ممنوعیت در بند ۲ ماده ۵۴ پروتکل الحاقی اول بدین شکل مطرح شده است حمله، تخریب، انتقال یا غیرقابل استفاده کردن اموالی که برای بقای سکنه غیرنظامی ضروری است نظیر مواد غذایی، نواحی کشاورزی برای تولید مواد غذایی، محصولات کشاورزی، دامی تاسیسات و ذخایر آب آشامیدنی، سیستم‌های آب رسانی بویژه به‌این منظور که استفاده از آنها برای سکنه غیرنظامی با طرف مخالف سلب شود و این عمل با هر انگیزه ای خواه به جهت این که غیرنظامیان از گرسنگی از پا در آیند خواه مجبور به انتقال به جای دیگر شوند یا هر انگیزه دیگر ممنوع است (Cotula, 2002; هنکرتز، ۱۳۸۷).

در ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز تحمیل عمدی گرسنگی بر غیرنظامیان از طریق محروم ساختن آنان از ملزومات بقاء به عنوان یک روش جنگی در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی جنایات جنگی به شمار می‌رود (دفتر قوه قضائیه، ۱۳۷۸; ICC, 1998).

در بسیاری از دستورالعمل نظامی جهان نیز این موضوع بدین شکل بیان شده است که تعرض به آنچه برای حیات و بقاء غیرنظامیان ضروری است ممنوع می‌باشد و قوانین برخی کشورها نیز عدول از این قاعده را جرم شناخته است (هنکرتز، ۱۳۸۷). به طور کلی اموالی که برای حیات و بقاء غیرنظامیان کشور ضروری است اموال غیرنظامی بوده و نبایستی به آنها حمله شود این مفاد در ماده ۱۴ پروتکل دوم مصرح است (پل مالرب، ۱۳۸۲) و یکی از زیرمجموعه‌های قاعده منع گرسنگی به غیرنظامیان در جنگ به شمار می‌رود و در تفاسیر پروتکل الحاقی نیز طرق مختلفی که طی آنها شرایط گرسنگی دادن به غیر نظامیان فراهم می‌گردد مشخص گردیده و منع شده است این قاعده در سایر اسناد و ناظر بر درگیریهای مسلحانه غیر بین‌المللی نیز وجود دارد در دستورالعمل‌های نظامی و قوانین داخلی بسیاری از کشورها که مرتبط با درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی هستند قید شده که تخطی از این قاعده جرم محسوب می‌گردد (هنکرتز، ۱۳۸۷).

نقض قاعده حق دریافت کمک‌های بشر دوستانه

هدف از کمک‌های انسان دوستانه حفظ کردن حق زندگی آدمیان است از خطر گرسنگی و مرگ. همان‌حقی که ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، همه انسانها را برخوردار از آن دانسته است و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز آن را در حراست خود گرفته‌اند. بند ۲ ماده یک مشترک در هر دو میثاق با صلابت و صراحتی خاص مقرر می‌کند که «در هیچ مورد نمی‌توان ملتی را از وسایل بقای خود محروم کرد. حق حیات که کمک انسان‌دوستانه جز ضامن برای آن نیست و خود منتج از آن است. به قطع و یقین و بی‌هیچ گفتگو حقی است از همان دسته از حقوق بشر که دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه بارسلونا تراکشن حقوق بنیادین شان خوانده است (ممتاز، ۱۳۸۴). عبارت امداد بشردوستانه شامل تدارک مواد غذایی ضروری، آب آشامیدنی، لباس و حداقل امکانات مسکونی و برخی تجهیزات پزشکی و داروهای اساسی است و خدمات اساسی از قبیل خدمات پزشکی درمانی، و دفاع غیرنظامی را در بر می‌گیرد (خرازیان، ۱۳۸۸).

در پروتکل اول الحاقی در ماده ۷۰ اعلام شده است که برای رسانیدن کمک‌های لازم اعلام رضایت طرف‌های درگیری ضروری است (FAO, 1999) و همچنین در عین حال که طرف‌های درگیر ملزم به دادن چنین رضایتی هستند لیکن حق کنترل از آنها براساس ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو و ماده ۷۰ پروتکل الحاقی شماره ۱ از آنها سلب نمی‌گردد (هنکرتز، ۱۳۸۷) و ضمناً کارکنان بشردوستانه بایستی براساس ماده ۷۱(۴) پروتکل الحاقی ۱ به قوانین و مقررات سرزمین که در آنجا عمل می‌کنند احترام بگذارند (FAO, 1999).

در رابطه با سرزمین‌های تحت اشغال، کنوانسیون چهارم ژنو قوای اشغالگر را موظف کرده است تا همه توان خود را برای تسهیل در رسیدن کمک‌های بشردوستانه به غیرنظامیان بکار برند (ICRC, 2011). در واقع قوای اشغالگر بایستی از اینکه کلیه نیروی انسانی غیرنظامی تحت اشغال او در حد کافی از چنین کمک‌های بهره‌مند هستند کسب اطمینان نماید و در موارد لزوم درخواست چنین کمک‌های را بنماید و طرف‌های درگیری نباید عمداً از رسانیدن کمک‌های بشردوستانه به جمعیت غیرنظامی نیازمند جلوگیری نمایند. ممانعت عمدی از کمک‌رسانی بشردوستانه که خود زیر مجموعه گرسنگی دادن جمعیت غیرنظامی بعنوان یک روش جنگی است در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی جنایت جنگی به شمار می‌رود (دفتر بین‌المللی امور قوه قضائیه، ۱۳۷۸؛ خرازیان، ۱۳۸۸) چنین عملی براساس قوانین داخلی بسیاری از کشورها نیز جرم محسوب می‌شود (هنکرتز، ۱۳۸۷). در ماده ۷۰(۲) پروتکل اول الحاقی آمده است که طرفین درگیر و هر یک از طرف‌های معظم متعاقد باید بطور سریع و بی‌وقفه کلیه محموله‌ها را اجازه داده و تسهیل نمایند و قطعنامه‌های متعددی از طرف سازمان ملل متحد، به ویژه شورای امنیت و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در این مورد مورد صادر گردیده است (هنکرتز، ۱۳۸۷؛ FAO, Legal office, 1999).

در قطعنامه شماره ۱۲۹۶ مصوب سال ۲۰۰۰ در مورد حمایت از غیرنظامیان در درگیری‌های مسلحانه، شورای امنیت از تمام طرف‌های درگیر و نیز کشورهای همسایه آنها درخواست کرد که نهایت همکاری را جهت تسهیل کمک‌های بشر دوستانه هموار نمایند (SC/Re1246).

2000) و همچنین در اصول راهنمایی کمک‌رسانی بشردوستانه مصوب مجمع عمومی UN در سال ۱۹۹۱ آمده است که کشورهای مجاور به محل‌های نیازمند به کمک‌های بشردوستانه وظیفه دارند که رسیدن چنین کمک‌های را در حد ممکن تسهیل نمایند (GAUN, RES182, 1991).

ارسال کمک بشردوستانه به غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه بین المللی در ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹ بدین شکل بیان گردیده است که هر دولت متعهد به کلیه محمولات دارویی ... را که باید به غیرنظامیان برسد اجازه عبور داده و تسهیل نمایند و همچنین عبور آزاد و بلا مانع محموله‌های مواد اصلی غذایی، پوشاک و دارویی تقویتی برای کودکان زیر ۱۵ سال و مادرهای باردار و موارد مرتبط با مادران را اجازه داده و تسهیل نمایند (ICRC, 2011) و براساس تفسیر ماده ۲۳ کنوانسیون چهارم از جمله مواد ضروری عبارتند: نان، آرد، شکر، روغن و نمک (ممتاز، ۱۳۸۴) و در پروتکل الحاقی اول این تعهد در ماده ۲۷(۲) به شکل موسع تری به شرح ذیل بیان گردیده است. طرفین درگیر و هر یک از طرف‌های معظم متعهد باید عبور سریع و بی وقفه کلیه محموله‌ها، تجهیزات و پرسنل تدارک دیده به موجب این بخش را اجازه داده و تسهیل نمایند حتی اگر چنین کمک‌های برای سکنه غیرنظامی طرف مخالف در نظر گرفته شده باشد یعنی این دولت‌های طرف مخالف را متعهد نموده که نه تنها از مانع تراشی در مسیر غیرنظامیان به این کمک‌های بشردوستانه خوداری ورزند (تعهد سبلی) بلکه روند دسترسی‌های مذکور را تسهیل نمایند (تعهد ایجابی) (ساعد، ۱۳۸۹؛ هنکرتز، ۱۳۸۷). این تفسیر موسع توسط همگان و از جمله کشورهای که به پروتکل مذکور نپیوسته‌اند پذیرفته شده است (هنکرتز، ۱۳۸۷) و حتی سازمان ملل نیز اقدامات غیرانسانی و تحمیل گرسنگی و جلوگیری از کمک رسانی را از هر طرف محکوم کرده است. شورای امنیت نیز در ارتباط با مخاصمات مسلحانه مختلف از جمله افغانستان، آنگولا، درگیری آذربایجان و ارمنستان، در بوسنی‌هرزگوین، برون‌دی، کنگو، گرجستان، کوزوو، لیبیا، سومالی، یمن طرف‌های درگیر را به تسهیل اعطای کمک‌های بشردوستانه فراخوانده است (هنکرتز، ۱۳۸۷).

دریافت کمک‌های بشردوستانه برای بقا و حیات

جمعیت غیرنظامی نیازمند ضروری است و مطابق با حقوق بین‌الملل بشردوستانه حق چنین جمعیتی است و کنوانسیون چهارم ژنو در ماده ۳۰ خود به این مسئله اشاره نموده است که غیرنظامیان محقق به چنین حقی می‌توانند از قدرت‌های حامی و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، ... و هر سازمان دیگری که بتواند کمک کند درخواست کمک نماید (ICRC, 2011) و پروتکل اول الحاقی نیز چنین حقی را در ماده ۷۰(۱) برای جمعیت غیرنظامی به رسمیت شناخته است (ICRC, 2011).

شورای امنیت سازمان ملل متحد و مجمع عمومی سازمان ملل متحد و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل نیز به مواردی که جمعیت غیرنظامی نیازمند، محق به دریافت کمک‌های بشردوستانه هستند تاکید ورزیده‌اند (هنکرتز، ۱۳۸۷). قواعد پروتکل الحاقی در مورد کمک‌های بشردوستانه در پرتو و همگام با منع استفاده جنگی از قحطی‌دادن غیرنظامیان تفسیر شود. در این صورت مداخله‌های غیرانسانی در دسترسی و توزیع کمک‌های بشردوستانه به غیرنظامیان در صورتی که با هدف به قحطی کشاندن غیرنظامیان باشد مصداقی از نقض این ممنوعیت خواهد بود نهایتاً این قحطی دادن عمدی از جمله مداخله در ارسال کمک‌های بشردوستانه مصداقی از جنایات جنگی می‌باشد (ساعد، ۱۳۸۹).

قاعده لزوم تسریع در رسانیدن کمک‌های بشردوستانه به غیر نظامیان در پیش نویس پروتکل الحاقی دوم قید گردید و توسط کمیته دوم کنفرانس دیپلماتیک که طی آن پروتکل‌های الحاقی پذیرفته شدند مورد پذیرش قرار گرفت لیکن در لحظات آخر به دلیل تصویب متنی ساده تراز آن حذف شد بعلاوه این قاعده در مدارک دیگری که مربوط به درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی نیز می‌شود، ملحوظ گردیده همین امر در دستورالعمل‌های نظامی و نیز بیانیه‌های مرتبط با درگیری‌های غیر بین‌المللی غیر نظامی آمده است. کمک رسانی انسان دوستانه به غیرنظامیان، از مفاهیم به نسبت جدید حقوق بین‌المللی است و هنوز معاهده‌ای خاص آن به تصویب نرسیده است با این حال عناصر این مفهوم در اسناد حقوق بشردوستانه به خصوص پروتکل الحاقی دوم موجود است هدف از کمک رسانی انسان رها کردن انسان‌ها از دام گرسنه و مرگ یا از طریق رساندن غذا، دارو و امداد پزشکی به آنان است درست است که کمک رسانی باید با

رضایت دولت مربوط انجام شود ولی آن گاه که مقامات آن دولت به هیچ دلیل قانع کننده‌ای به دریافت کمک‌ها رضایت نمی‌دهد مرتکب نقض تعهدات بین‌المللی خود می‌شوند یعنی تعهدات مربوط به رعایت حقوق بنیادین شهروندان خویش در چنین موقعیتی است که اهمیت ماده ۱۴ پروتکل الحاقی دوم نمایان و استناد به آن ممکن می‌شود که به گرسنگی کشاندن غیرنظامیان را منع می‌کند همانطور که رویه بین‌المللی نشان می‌دهد استفاده از سلاح گرسنگی، ایجاد قحطی و مخالفت از رسیدن ملزومات اصلی برای بقای غیرنظامیان عملی است محکوم و مسئولیت آور. حق به دریافت کمک‌های انسان دوستانه امروزه یکی از حقوق بشر به شمار می‌رود و در وهله اول دولت مربوطه است که باید این حق را ادا کند و شهروندان خویش را در پناه خود بگیرد. اما اگر چنین نشد غیر نظامیان گرسنه درمانده را نمی‌توان به همان حال رها کرد اینان در مقام استیفای حق طبیعی خود و به بقا و حیات می‌توانند خواستار دریافت کمک‌های انسان دوستانه از خارج شوند اقدامات شورای امنیت در مورد بسیاری از مخاصمات داخلی گواهی بر عینیت این حق است (ممتاز، ۱۳۸۴).

قاعده لزوم تسریع در رسانیدن کمک‌های بشردوستانه به غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه داخلی در بند ۲ ماده ۱۸ با عبارتی ساده‌تر بیان گردیده است و بیشتر بر روی لزوم سازماندهی کمک‌های بشردوستانه به غیر نظامیان تاکید شده و لیکن تسریع مربوط در مورد دسترسی به چنین کمک‌هایی را فاقد است این امر در دستور العمل‌های نظامی و نیز بیانیه‌های مرتبط با درگیری‌های غیر بین‌المللی غیر نظامی نیز آمده است (هنکرتز، ۱۳۸۷؛ رضانی، ۱۳۸۹) و در پروتکل الحاقی دوم نیز اعلام رضایت طرف‌های دیگر جهت انجام عملیات کمک رسانی مطابق با ماده ۱۸(۲) الزامی است (رضانی، ۱۳۸۹). مخالفت از کمک رسانی بشردوستانه بر اساس قوانین داخلی بسیاری از کشورها جرم محسوب می‌شود (هنکرتز، ۱۳۸۷).

در پروتکل دوم الحاقی بر خلاف پروتکل اول الحاقی به دسترسی کمک‌های بشردوستانه از طریق کشور ثالث هیچ اشاره‌ای هم نشده است و اعضای پروتکل مکلف به تسهیل کمک‌های بشردوستانه نیستند (همان، ۱۳۸۷). کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تفسیری امداد رسانی به غیرنظامیان را الزامی می‌داند برای اثبات این که عملیات امداد در این

قبیل موارد جنبه الزامی می‌یابد که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ به این نکته استفاده می‌کند که در متن بند ۲ ماده ۱۸ پروتکل دوم فعل در زمان آینده به کار رفته است در واقع عبارت عملیات کمک رسانی انجام خواهد شد افاده الزام می‌کند در بردارنده تعهد به انجام این عملیات است با این استدلال، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بدون کسب موافقت حکومتی که همچنان نماینده کلیت دولت در عرصه بین‌المللی است به خود حق ورود به سرزمین آن دولت و انجام عملیات امداد رسانی را می‌دهد (ممتاز، ۱۳۸۴). با این همه باید به خاطر داشت که امتناع مداوم دولت مربوط از موافقت با عبور آزادانه کمک‌های انسان دوستانه، به هیچ روی موجبی برای به کارگیری زور به منظور رساندن این کمک‌ها نخواهد بود. در واقع استفاده از زور برای کمک رسانی عملی است ناقض حقوق بین‌الملل و در نتیجه محکوم، همان‌طور که عملیات هوایی نیروهای مسلح هند در سال ۱۹۸۷ برای رساندن آذوقه و دارو به شورشیان تامیل، چون بدون اجازه حکومت سری لانکا صورت گرفته بود، مداخله‌ای نا مشروع به حساب آمد و در نتیجه با محکومیت روبه‌رو شد پس از این عملیات بود که کمک‌های انسان دوستانه تحت محافظت حکومت سری لانکا و با مساعدت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بر مناطق تحت کنترل شورشیان ارسال شد بنابراین در صورتی که دولت مربوط به طور دایم با عبور آزادانه محموله‌ها مخالفت کند و اجازه ندهد تا کمک‌ها به دست غیرنظامیان درمانده برسد، اختیار توسل به قوه قهریه برای امداد رسانی، فقط با شورای امنیت است به گفته دیگر تنها شورای امنیت است که برای رفع خطر از غیر نظامیان و جلوگیری از فجایع انسانی، امر به کمک رسانی می‌کند (ممتاز، ۱۳۸۴).

نقض قاعده آزادی حرکت کارکنان بشر دوستانه

الزام به تامین آزادی حرکت و عمل در رسانیدن کمک‌های بشردوستانه مجاز به جمعیت غیرنظامی نیازمند در پروتکل اول الحاقی در ماده ۷۱ (۳) بیان شده است نیاز گروه‌های مسئول رسانیدن کمک‌های بشردوستانه به آزادی در امنیت حرکت و عمل در رویه ناظر بردرگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی صراحت دارد و تخطی از چنین قاعده‌ای موضوع محکومیت قرار گرفته و ممنوع اعلام گردیده است بویژه سازمان ملل بیانیه‌های زیادی و

قطعه‌نامه های بی‌شماری در این ارتباط صادر کرده است به عنوان مثال می‌توان به قطعه‌نامه شورای امنیت در مورد درگیریهای افغانستان آنگولا، بوسنی هرزگوین، گرجستان، لیبیا، سومالی، تاجیکستان و ... اشاره نمود در قطعه‌نامه مصوب ۱۹۹۹، در خصوص حمایت از غیرنظامیان در درگیریهای مسلحانه شورای امنیت برای آزادی حرکت و تامین امنیت برای پرسنل بشردوستانه تاکید کرده است در قطعه‌نامه دیگری که مصوب سال ۲۰۰۰ شورای امنیت از همه طرف‌های درگیر و از جمله دولت‌های غیرعضو می‌خواهد کرد. آزادی حرکت کارکنان، سازمانهای بشر دوستانه را ... تضمین نماید. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز خطاب به کلیه طرفهای درگیری مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی بر لزوم احترام به این قاعده تاکید کرده است (هنکرتز، ۱۳۸۷).

امکان رسیدگی به جنایات ارتكایی از نقض حق غذا

حقوق بین‌الملل کیفری از جمله ابزارهای حمایت از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه می‌باشد و به نقض‌های جدی و گسترده حقوق اساسی بشر واکنش نشان می‌دهد (حسینی اکبرنژاد هاله، ۱۳۸۸). حقوق بین‌الملل کیفری شامل مسئولیت کیفری افراد به دلیل فعل یا ترک فعل‌های است که منجر به نقض جدی حقوق بین‌الملل می‌شود و ارتباط نزدیک و متقابلی میان حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بین‌الملل بشردوستانه وجود دارد و حقوق بین‌الملل کیفری با جرم‌انگاری قطعی جدی حقوق بشردوستانه تعقیب کیفری مرتکبین آنها را مطالبه می‌کند (حسینی اکبرنژاد هاله، ۱۳۸۸) انکارغذا و ممانعت از دسترسی به غذا تحت شرایطی خاص در حقوق بین‌الملل کیفری جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و نسل‌کشی را تشکیل می‌دهد (Gotula, 2009) و امکان رسیدگی به جنایات ارتكایی از نقض حق غذا در هر یک از نهاد های زیر وجود دارد.

الف - دیوان کیفری بین‌المللی :

مهمترین نهادی که در حوزه تخصصی تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکبان جنایات بزرگ بین‌المللی پیش‌بینی شده است، دیوان کیفری بین‌المللی است که از سال ۲۰۰۲ رسماً فعالیت خود را آغاز کرده است. این دیوان که در پی

تحولات صورت گرفته پس از تشکیل دادگاههای کیفری نورنبرگ، توکیو، یوگسلاوی سابق به شکل امروزی آن بوجود آمده است. به طور تخصصی بر روی رسیدگی به جرایم نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، فعالیت کرده و به نحو دقیقی جرایم مزبور و نحوه تحقق و اثبات آن را در اساسنامه خود مشهور به اساسنامه رم تعریف کرده است (عمرانی، ۱۳۸۵) و در ارتباط با حق غذا نیز مواد ۶، ۷ و ۸ آن به این مساله پرداخته است.

به طوری که براساس ماده ۶ آن قرار دادن عمدی یک گروه در معرض وضعیت زندگی نامناسب که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن شود از مصادیق نسل‌کشی می‌باشد (دفتر قوه قضائیه، ۱۳۷۸) در مورد قرار دادن اعضای یک گروه در شرایط نامساعد زندگی، کمیسیون مقدماتی سازمان ملل برای دیوان کیفری بین‌المللی معتقد است که این طبقه‌بندی ممکن است شامل محرومیت عمدی از منابع لاینفک بقا از قبیل غذا و خدمات پزشکی یا اخراج اجباری از خانه یا کاشانه باشد (PILPG, 2004) و در ماده ۷ نیز اعمال مختلفی جنایات علیه بشریت را تشکیل می‌دهد که یکی از این اعمال ریشه‌کنی می‌باشد و منظور از ریشه‌کنی شامل تحمیل عمدی وضعیت خاصی از زندگی است از جمله محروم کردن از دسترسی به غذا و دارو که به منظور منهدم کردن بخشی از یک جمعیت برنامه‌ریزی می‌شود (همان، ۱۳۷۸) و در ماده ۸ آن نیز تحمیل گرسنگی به غیر نظامیان به عنوان روش جنگی یا محروم کردن آنان از موادی که برای بقایشان ضروری است از جمله جلوگیری خودسرانه از رسیدن کمک‌های بشردوستانه پیش‌بینی شده در کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو جنایات جنگی را تشکیل می‌دهد (دفتر امور بین‌الملل قوه قضائیه، ۱۳۷۸) در صورت ارتكاب هر یک از جنایات مذکور در ارتباط با حق غذا این دیوان می‌تواند براساس اساسنامه آئین دادرسی خود، از طریق یکی از موارد زیر اقدامات خود را پیگیری نماید: الف) ارجاع وضعیت از سوی شورای امنیت به دیوان (ماده ۱۳ اساسنامه، دیوان) براساس ماده ۱۳ اساسنامه «دیوان می‌تواند صلاحیت خود را در مورد جرایم مندرج در ماده ۵ اساسنامه خود در موارد زیر اعمال نماید « و... ب) موقعیتی که یک یا چند جرم از جرایم مطروحه ارتكاب یافته باشند و موضوع براساس فصل هفتم بوسیله شورای امنیت به دیوان ارجاع شود در این زمینه دو موضوع مورد

توجه قرار می گیرد (۱- تشخیص یک موقعیت توسط شورا
 ۲- ارجاع آن به دیوان) (اخوان فرد، ۱۳۸۸) بنابراین
 شورای امنیت می تواند در چارچوب فصل ۷ منشور سازمان
 ملل و در راستای حفظ صلح و امنیت بین المللی یک
 وضعیت را به دیوان ارجاع دهد هر چند که جرم توسط
 اعضاء دول عضو و یا در قلمرو دول عضو ارتکاب نیافته
 باشد (عمرانی، ۱۳۸۸ ج) انجام تحقیقات مقدماتی توسط
 دادستان (مواد ۱۲ و ۱۳ اساسنامه دیوان) براساس ماده ۱۲
 اساسنامه، کشوری که عضو اساسنامه دیوان نیست
 می تواند با ثبت بیانیه ای نزد ثبات دیوان، صلاحیت این
 مرجع را در مورد موضوع خاصی بپذیرد و ماده ۱۳
 اساسنامه دیوان « دیوان می تواند صلاحیت خود را در مورد
 جرایم مندرج در ماده ۵ اساسنامه خود در موارد زیر اعمال
 نماید..... ج) دادستان ابتدائاً تحقیقاتی را در مورد جرایم و
 براساس اختیارات ماده ۱۵ انجام دهد. این موضوع نیز به
 خواست دادستان باز می گردد اگر دادستان تمایلی به انجام
 تحقیقات مقدماتی داشت می تواند با وجود اسناد و مدارک
 به این کار دست زند. ارائه دادخواست از طریق سازمان های
 غیر دولتی (ماده ۸۶ آئین دادرسی دیوان) ماده ۸۶، آئین
 دادرسی دیوان به سازمان های غیر دولتی مجوز می دهد تا
 خواستار تحقیق و پیگیری موضوعی توسط دادستان دیوان
 کیفری بین المللی شوند در این زمینه باید به این مسئله
 اشاره شود. دادخواستی که بوسیله سازمان های غیر دولتی
 ارائه می شود فقط برای آغاز تحقیقات مقدماتی است و
 نمی تواند منجر به رسیدگی شود و انجام تحقیقات مقدماتی
 که دادستان با آن موافقت نموده است با ماده ۱۲ و ۱۳
 اساسنامه متفاوت است زیرا این تحقیقات به تبع دادخواست
 خواهد بود در حالی که انجام تحقیقات مقدماتی ناشی از
 ماده ۱۲ و ۱۳ اساسنامه به صورت مستقل است.

ب- رسیدگی در مراجع ملی سایر کشورها:

تعهد به مجازات جنایتکاران جنگی که در حین
 مخاصمات بین المللی مرتکب نقض حقوق بشردوستانه شده
 اند، هر دولت را ملزم به تعقیب این افراد می کند. تعقیب و
 مجازات جنایتکاران جنگی، نه فقط حق، بلکه تکلیف
 دولتهای عضو کنوانسیونهای چهارگانه ژنو است و بدون
 آنکه تابعیت جانی یا بزه دیده یا حتی محل وقوع جنایت
 جنگی در نظر گرفته شود، دولت ها را مکلف به محاکمه
 جنایتکاران جنگی یا استرداد این افراد با دولت دیگری

می کند که خواهان محاکمه آنان باشد. این نوع صلاحیت
 رسیدگی به جنایات جنگی را «صلاحیت جهانی» می نامند
 و هدف از آن، تامین مصالح و منافع جهانی است و از
 طریق مجازات کسانی تامین می شود که ارزش های جهانی
 متبلور در کنوانسیون های چهارگانه ژنو را زیر پا می گذارند
 (حسینی اکبرنژاد، حوریه، ۱۳۸۸) در واقع جنایات موضوع
 این صلاحیت، جنایاتی هستند که تنها به منافع یک دولت
 صدمه نمی زنند بلکه وجدان جهانی را جریحه دار می کنند
 (ممتاز، رنجبران، ۱۳۸۴).

دولتها در مورد نقض های عمده کنوانسیون های
 چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل الحاقی اول (۱۹۷۷) و در
 مورد شکنجه و سایر جرایم به رسمیت شناخته شده در
 حقوق بین الملل، مجاز به اعمال صلاحیت جهانی هستند...
 از آنجا که صلاحیت جهانی به منظور جلوگیری از بی کیفی
 ماندن مرتکبان جرایمی مورد شناسایی قرار گرفته که
 «منافع اساسی بشریت» را مورد صدمه قرار داده اند.
 (حسینی اکبرنژاد، حوریه، ۱۳۸۸). البته اصل اعمال صلاحیت
 جهانی در رویه بین الملل عمدتاً منوط به حضور متهم در
 دادگاه داخلی ذیربط شده است تا از تعارض تصمیمات،
 تداخل صلاحیت ها جلوگیری شود با این حال کنوانسیون
 ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ در این مورد هیچ مانعی
 برای اعمال صلاحیت دولت ها و رسیدگی غیابی ایجاد
 نکرده است (زمانی، ۱۳۸۹).

علیرغم وجود مبانی بین المللی و ملی برای اعمال
 صلاحیت نسبت به جنایات بین المللی به لحاظ فنی،
 متأسفانه اقدام قضائی جهت رسیدگی به اینگونه جنایات که
 در سرزمین های خارج از حوزه قضایی دادگاه ارتکاب پیدا
 کرده اند، با موانع و مشکلات عملی مواجه بوده است. به
 طور مثال، اقدام دادگاه های ملی سایر کشورها مستلزم
 گذشت زمان می باشد. از یک طرف افراد مسئول پیگیری
 این جنایات همانند قضات و دادستان ها، نیازمند وقت و
 زمان زیادی برای جمع آوری ادله و مدارک موید ارتکاب
 جنایات می باشند. از طرف دیگر، موضوع تعارض
 صلاحیت ها و اولویت صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم نیز
 مطرح است. فلذا، محاکم ملی سایر کشورها صرفاً زمانی
 می تواند مبادرت به اقدامات قضایی تکمیلی نمایند که
 کوتاهی و قصوری یا عدم استقلال در دستگاه قضایی
 کشور محل ارتکاب جنایت مطرح باشد و یا اینکه

رسیدگی‌ها صورتی انجام شده باشد. همچنین بعضاً مسائل لجستیکی همانند هزینه‌های مالی ناشی از انجام تحقیقات نیز مطرح بوده است (موسسه حقوق بین الملل پارس، ۱۳۸۹).

ج - تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی ویژه توسط شورای امنیت:

تشکیل دادگاه‌های کیفری ویژه توسط شورای امنیت برای تعقیب، محاکمه و مجازات جنایتکاران بین‌المللی از جمله اقدامات مهم جامعه بین‌المللی در مقابله با نقض‌های شدید حقوق بشر و حقوق بشردوستانه قلمداد می‌شود (حسینی اکبرنژاد، هاله، ۱۳۸۸) و تشکیل چنین دادگاه‌ها بدون تردید عامل موثری در تحول حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود.

د- دیوان دادگستری بین‌المللی:

مجمع عمومی سازمان ملل طبق اصول حقوق بین‌الملل صلاحیت تقاضای صدور رای مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری براساس اصول و قواعد حاکم در حقوق بین‌المللی از جمله قطعنامه‌های شورای امنیت و مجمع عمومی (Independent fact finding, 2009) دارد.

همچنین امکان دادخواهی و جبران خسارات در دیوان بین‌المللی دادگستری براساس ماده ۹ کنوانسیون ژنوساید وجود داشته و همچنین درخواست دادخواست درحضور دیوان بین‌المللی دادگستری براساس سایر معاهدات با توجه به تعهدات ارگامسن یا تعهدات عام المشمول به دلیل نقض بارز تخلفات بین‌المللی از قبیل جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و ژنوساید وجود دارد (IF, 2009).

نتیجه گیری

از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه کنوانسیون‌ها، پروتکل‌های مربوطه، تعهدات الزام آوری را در زمینه حق غذا از قبیل منع به قحطی کشاندن غیر نظامیان، عدم تخریب محصولات کشاورزی و غذایی، حق دریافت کمک‌های بشر دوستانه و آزادی حرکت کارکنان کمک‌های بشردوستانه در زمان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و شرایط اشغال ایجاد نموده و تا آن حد پیش رفته که استفاده از ابزار گرسنگی در این مخاصمات را به منزله جنایات جنگی، جنایات ژنوساید و جنایات علیه بشریت قلمداد نموده

و حق دادخواهی در مورد نقض حق غذا را از طریق نهادهای مختلف بین‌المللی از قبیل دیوان کیفری بین‌المللی، شورای امنیت و ... به رسمیت شناخته است ولی حقوق بین‌الملل بشر دوستانه تعهدات الزام آوری در زمینه حق غذا به ویژه کمک رسانی غذایی به غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی ایجاد نموده است و قواعد ایجاد شده در این زمینه نیز از ضمانت اجرائی لازم برخوردار نمی‌باشد.

منابع

ابراهیم گل، ع. (۱۳۸۷). حق غذا: پیش شرط تحقق سایر حقوق. مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، سال ۲۵، شماره ۳۹، ص ۲۲۱ الی ۲۴۳.

اسفندیاری، چ و میرعباسی، ب. (۱۳۹۱). نقش سازمان ملل متحد در تحقق امنیت غذایی در جامعه جهانی، مجله علوم غذایی و تغذیه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، سال نهم، شماره ۲ (پیاپی ۳۴)، ص ۹۱ الی ۱۰۳.

پل مالرب، آ. (۱۳۸۲). قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه. ترجمه کمیته ملی حقوق بشردوستانه، موسسه انتشارات امیرکبیر.

حسینی اکبرنژاد، ح. (۱۳۸۸). جنگ علیه حقوق جنگ: نقض تعهد رعایت حقوق بشر در جنگ ۲۲ روزه غزه. مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌الملل معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری سال ۲۸، شماره ۴۰، ۱۳۸۸ صفحات ۹۹ الی ۱۲۵.

حسینی اکبرنژاد، ه. (۱۳۸۸). جنگ علیه حقوق انسانها: نقض تعهد رعایت حقوق بشر در جنگ ۲۲ روزه غزه. مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، سال ۲۸، شماره ۴۰، صفحات ۱۳ الی ۴۵.

کریون، م. (۱۳۸۷). چشم اندازی به توسعه میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. مترجم محمد حبیبی، چاپ اول، سازمان انتشارات دانشگاه مفید.

خزریان، م. (۱۳۸۸). اعمال حقوق بین‌الملل بشردوستانه در مخاصمه اخیر نوار غزه. مجله حقوقی بین‌المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌الملل معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، سال ۲۸، شماره ۴۰، صفحات ۴۹-۴۱.

دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران.

Chinkin, C. (2008). The protection, economic, social and cultural rights. post conflict.

Defalco, R. (2009). The Right to Food in Gaze: Israel's Obligations under International Law. The Internet Journal of Rutgers School of Law Vol.35, P: 11-22. Www.Lawrecord.Com.

FAO legal office. (1999). Extractis from International and Regional and Instruments and declarations, and other Authoritative Texts addressing the right to food. www.fxo.org

FAO, Legal office. (2002). The right to food and international guidelines for its implementation Res 2002/10, retrieved from: www.FAO.org

Golay, C. & Ozden, M. (2004). The Right to Food. www.fao.org

Gotula, L. & Vidar, M. (2002). The right to adequate food in emergencies. FAO legal office. www.fao.org

Human Right Council (Goldstone report). (2009). Human Rights in Palestine and Other Occupied and Territories Report of United Nation Fact-Finding Mission On the Gaze Conflict. www.HRC.org

Independent Fact Finding Committee on Gaza. (2009). No Safe Place

ICRC. (2011). Protocol Additional to Geneva conventions of 12 August 1949 an relating to the protection of victims of International arm conflicts. (protocol1). www.icrc.org

Kent, G. (2006). Food is a Human Right University of Hawaii Honolulu USA. Kent and Hawaii .edn.

Office United nation human right (OUNHR/FAO). (2010) The right to adequate Food, Fact sheet No.34 www.food.org

Pejic, G. (2001). The Right to Food in Situation Armed Conflict: The Legal Framework. vol. 83, No. 844, p: 1097-1109.

Public international law and policy group (PILPG). (2008). Genocide in defer. www.pilpg.org

Sylvain, V. (2008). The Interrelation of the Low of Occupation and Economic, Social and Cultural Rights. The Examples of Food, Health and Property .Vol. 9. No. 871.

United Nation Security Council (UNSC). (1992). Res, 748, retrieved from: www.un.org

United Nation Security Council (UNSC). (2000). Res1246, retrieved from: www.un.org

Vidar, M. (2003). The right to food in international law"www.fao.org.

(۱۳۷۸). اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی. انتشارات قوه قضائیه.

رمضانی قوام آبادی، م. (۱۳۸۹). نقش کمیته بین المللی صلیب سرخ در تدوین و اجرای حقوق مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی. انتشارات خردسندی.

زمانی، ق، (۱۳۸۹). ظرفیت نظام حقوق بین الملل در مقابله با جنایات رژیم صهیونیستی در غزه، کتاب غزه و حقوق بین الملل، انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی.

ساعد، ن. (۱۳۸۹). غزه و حقوق بین الملل، تهران، انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی

ساعد، ن. (۱۳۸۹). فلسطین و حقوق بین الملل معاصر، چاپ اول تهران، انتشارات مجد.

قربان نیا، ن. (۱۳۸۷). حقوق بشر و حقوق بشردوستانه، نشر سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.

عمرانی، س. (۱۳۸۸). جنایات اسرائیل در غزه در مصاف با حقوق کیفری بین المللی بررسی راهکارهای محاکمه جانپان.

فصل نامه حقوقی گواه، شماره ۱۴ ص ۹۲-۸۷.

کدخدائی، ع. (۱۳۸۹). ارزیابی گزارش هیات تحقیق دبیر کل سازمان ملل متحد درباره حملات رژیم صهیونیستی به اماکن این سازمان در غزه برگرفته از کتاب غزه و حقوق بین الملل، نوشته نادر ساعد.

ممتاز، ج. و رنجبران، ا. (۱۳۸۴). حقوق بین‌الملل بشردوستانه، مخاصمات مسلحانه داخلی. نشر میزان.

موسسه حقوق بین الملل پارس. (۱۳۸۹). محاکمه و مجازات جنایات ارتكابی رژیم صهیونیستی در غزه- تحلیل فضای بین

المللی و ظرفیت‌های ملی. کتاب غزه و حقوق بین‌الملل، انتشارات مجمع جهانی صلح اسلامی.

وارنر، د. (۱۳۸۲). حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه کنکاشی

برای جهانی شدن. (ترجمه سلاله حبیبی امین)، انتشارات دانشگاه تهران دانشکده حقوق و علوم سیاسی.

هنکرتز، ژ. و دوسوالدیک، ل. (۱۳۸۷). حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی، جلد اول: قواعد، ترجمه: دفتر امور بین الملل قوه قضائیه، ج. ا. و کمیته بین المللی صلیب سرخ، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی محمد.

APCHR. (2009). Israel Military Offensive against the Gaza Strip (Targeted Civilians) retrieved from: <http://www.pchrgaza.org>

Committee on Economic, Social and Cultural Right. (CESCR). (1999). The Right to Adequate Food , General Comment No. 12, www.unhchr.ch..

Committee on Economic, Social and Cultural Right. (CESCR). (2009). General Comment No. 20 .www.un.org.